

غزل شماره ۲۰

روزه یک سوشد و عید آمد و دل با پرخواست
می زخم خانه به جوش آمد و می بید خواست

نوبه زهد فروشانِ کران جان بگذشت
وقتِ رندی و طرب کردنِ رندان پیدا است

چه ملامت بود آن را که چنین باده خورد؟
این چه عیب است بدین بی خردی، وین چه خطاست؟

باده نوشی که در او روی و ریایی نبُود
بہتر از زہد فروشی کہ در او روی و ریاست

مانہ زندانِ ریایم و حریفانِ نفاق
آن کہ او عالمِ سراسر است، بدین حال کو است

فرضِ ایزد بکزاریم و بہ کس بد نکنیم
وان چہ گویند روانیست، نگوییم رواست

چہ شود گر من و تو چند قدحِ باده خوریم؟
باده از خونِ رزان است، نہ از خونِ شماست

این چه عیب است کز آن عیب، خلل خواهد بود
و ر بُد نیز چه شد؟ مردم بی عیب کجاست

تفسیر فال

خودت را به دست خداوند بزرگ بسپار و ایمان داشته باش که او بهترین سرنوشت‌ها را برای بندگانش رقم می‌زند. در این دوران پرچالش، از روزگار بیش از حد شکایت نکن و در برابر خواسته‌های الهی ایستادگی مکن؛ چرا که این مقاومت می‌تواند تو را به سمت سردرگمی و ناامیدی سوق دهد. بی‌تردید، خداوند بر احوال دل همه آگاه است و در هر لحظه از زندگی با رحمت خود، ما را درک می‌کند. بنابراین، هیچ‌گاه گله یا نارضایتی از تقدیر الهی نداشته باش. خداوند را همیشه در یاد داشته باش؛ زیرا او تنها راهنمای حقیقی توست که در تمام مراحل زندگی، چه شیرین و چه تلخ، همراه تو خواهد بود و مسیر درست را نشان خواهد داد.

به کوشش : پارسی دی

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)